

47
79



47^v
119

79

صفت سائیک و مرکا و فضل خلایه وزن
به عنوان شرح معین کنان کنان قین ما

سراج الرسل

کتابخانه ملی مشهد
در مطبعه ملی مشهد
توسط کتبخانه کهنه و کهنه
کاغذ پورمزه طبع شد



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین العلوٰة والسلام علی رسولہ محمد وآلہ وصحابہ اجمعین ما بویگوید فقیر حقیر
سید روشن علی چندی این عاصی گمان اشته که عطار دودیر فلک بیج مشتری ابرامی مقدر
کرده باشد اما بعد تحریر بسیار روز انقلاب بین او از ثابت گشته که میخ قطع شسته این علم نموده طبع
صاحبان این بهر معروف نبره بر انیان ساخته اند از اجتماع جماعت آفتاب شمالان این عمر مزاج
تر خود را در عقبه دخل کرده بفرخ ولی میگذرانید دل را از سعی این علم که باعث طلب این موم است
بر داشته تا در عقلم ایشان گرفتار نشود از اصل مدعی خویش بیاندند از سر صحبت ایشان منفرت
خوف اولی میدانست لیکن از سبب تقضای نخست زصل که طالع هندستان است وقت سعادت
کرد ازین جهت بسیار قبض خاطر میماند بمقابل معلوم گردیده که در هر سعادت و نخست شان طلسمه لذت
علیحده و از شکل صورت می بندد و در شان تجلی نوار میگردد و چنانچه حالت عسر و بصر دنیا که با بعد از تسلیم نمود
ظهور یکدیگر خفای یکدیگر لازم وجدانی در هیچ وقت نمیشود و اندک از خاطر فیض خارج گردیده از نصرت الهی
تسلی حاصل شد الحمد لله علی کل حال نمودند درین اثنا یکی از زبده خاندان مصطفوی خلاصه اهل بیت مصطفوی

بسم الله

تشریف آورده است دعای مخفی که جامع کثره قائق و بدایت گنج فوائد حقائق و دافع اختلاف مسائل
و تشکیک بریند که دل شامل باشد تقصیف باید کرد که برای مبتدی منتهی مثل سیاض صبح حمرة شام را
فائده و جویند که از مشکوس ضلالت بازوار چون این صفت بعد از آنکه محض حکم برین آورده و طریق
سوال آن شاهباز سیادت بسیار ترفع و بدین است که انحراف نماید لیکن بسبب ووالذی وجب
مجتسم علی کافه اهل الایمان نمونست بهمال در زینا چار شده از شجره چند کتب متقدمین که حکم اہمات
متاخرین از شجره متولد نموده چند مسائل متفرقه تالیف کرد و ترویج بچهار ربع گردانید اما چون اصل
متفرقه بسیار بودند مقدمه خاتمه افزودی بسراج الملک گردانید امید از ناظرین آنکه از
نظرات دوستی متوجه شده از تسلیق تالیث اوقات عموره نمود در اصلاح صورت نمایند و
نشانید که به نظر مقابلہ و مقارنہ که موجب ذمیت باشد چند تصدیق کشف زیرا که فقیر بسبب فضلنا بعضہم
علی بعض یا بہر کس آریستہ و از متیقین فعلی اللہ یا ایشا و یحی اللہ یا ایشا از کمال نقصان دور استہ
پس از توصیف و تہذیب سیر است و ما توفیقی الا باللہ مقدمہ مثل پنج باب است باب
اول کیفیت نزول این علم و تحصیل اشکال شانزده گانه بدان می طالب اگر چه فی الحقیقت
علم و عالم و جبل و جبل و قبول فی حد فہم بی بسبب ظهور مقاربت ندارد بحد و ارادہ ظہار علم
تحتاج بجبل افتاد پس جوہر جبل و قبول اول صورت گرفت چنانچہ نوشته اند کہ حضرت آدم
علیہ السلام را فرزندان بسیار متولد شدند تا جبل کہ علم بظہر بود از انتشار ایشان ظاہر گردید چون
خواست کہ جبل خفایا بد علم کہ مقابل این بود پیدا کرد و جبل علیہ السلام را عالم قرار داده فرستاد
تا از وسیلہ این علم معین کہ از عالم مطلق بود تعلیم نماید و نسبت جبل برین علم معنی شود و احوال مجہول
معلوم گردد پس تقسیم شد صحیح چیز از حد دیگر جدا می ندارد اما ظہور لاشی با ضداد بل می شود و از حدی طلب
بخطاب علم آدم الا تمام گنمای یعنی عالم و علم و جبل گردید العاقل تکفیتہ الاشارة آدم بہر طلب یعنی
بجبل علیہ السلام چہار انگشت خود را بر برگ فرو برده بدین مرتبہ و نام این طریق را اصل الاشکال
و ابو الاشکال گذاشت حضرت آدم علیہ السلام نیز از تعلیم جبل علیہ السلام چہار انگشت خود را
بر این نہادہ باین صورت : بی باہر دیگر ترکیب ادہ جماعت دام الاشکال و اکثر الاشکال
نامیدہ و ازین دو شکل چہار زہ دیگر متولد گردانید بحسب نقصان کردن از اکثر و افزودن